

**An Analysis of Social Signs and Codes in Mourid Barghouti's *I Was Born There, I Was Born Here*: Applying Pierre Guiraud's Social Semiotic Framework**Narges Khosravi Savadjani¹**Abstract**

This study conducts a social semiotic analysis of Mourid Barghouti's autobiographical novel *I Was Born There, I Was Born Here*, employing Pierre Guiraud's theoretical framework. Guiraud's approach to social semiotics, which examines signification systems as constitutive of social relations, categorizes signs primarily through the lenses of identity and politeness. Using a descriptive-analytical method, the research systematically applies Guiraud's categories—including flags, uniforms, names, titles, gestural behavior, and proxemics—to the textual representation of Palestinian society in Barghouti's narrative. The analysis demonstrates that Guiraud's model provides a comprehensive framework for decoding the novel's rich repertoire of social signs. These signs consistently index an authentic Arab and Islamic cultural identity, functioning to assert and preserve a distinct Palestinian social reality. Furthermore, the study reveals Barghouti's strategic juxtaposition of these indigenous signs against the imported semiotics of Zionist settlers in the occupied territories. This contrast serves a critical dual function: it exposes the settlers' ideological project of identity construction while simultaneously presenting an authoritative, counter-hegemonic narrative that resists the distortion of Palestinian community and experience.

Keywords: social semiotics, Pierre Guiraud, resistance literature, Mourid Barghouti, *I Was Born There, I Was Born Here*

¹ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. n.khosravi@alzahra.ac.ir



Publisher: Faculty of Literature & Humanities, University of Kharazmi and Iranian Association of Arabic Language & Literature.





فصلنامه مطالعات روایت‌شناسی عربی

شاپا چاپی: ۷۷۴۰-۲۶۷۶ شاپا الکترونیک: ۱۷۹-۲۷۱۷



مقاله علمی محکمه

واکاوی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی رمان *ولدتُ هُناک*، *ولدتُ هُنا* از مرید برغوثی بر پایه نظریه پی.یر گیرو

نرگس خسروی سوادجانی^۱

چکیده

نشانه‌شناسی اجتماعی به‌عنوان یکی از رویکردهای حوزه نشانه‌شناسی، به مطالعه نظام‌های مختلف دلالتی در جامعه می‌پردازد. «پی.یر گیرو»، زبان‌شناس فرانسوی (۱۹۱۲-۱۹۸۳) نشانه‌های اجتماعی را از دو منظر هویت و نزاکت بررسی می‌کند. مقوله هویت را در قالب مؤلفه‌هایی همچون پرچم، یونیفورم، نشان و مدال، آرایش، نام و لقب، شاخص و علامت تجاری مورد مطالعه قرار می‌دهد و نشانه‌های نزاکت را در لحن کلام، سلام و خداحافظی، توهین، اطوارپژوهی، فاصله‌پژوهی و آداب غذا خوردن می‌کاود. از دیدگاه «گیرو»، نشانه‌های اجتماعی در شکل‌بندی انواع ارتباطات اجتماعی نقش دارند. مرید برغوثی، نویسنده و شاعر فلسطینی (۱۹۴۴-۲۰۲۱) در رمان «ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا» از رویدادهای سفر به فلسطین روایت می‌کند و مجموعه‌ای از نشانه‌های اجتماعی فلسطینی را به مخاطب انتقال می‌دهد. جستار پیش‌رو در تلاش است به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر پایه نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی «پی.یر گیرو»، به بررسی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی این اثر بپردازد. روشن‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر به گواه نمونه‌های واکاوی‌شده، حکایت از قابلیت تطبیق همه نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی نظریه «گیرو» در رمان برغوثی دارد و بر حضور پررنگ نشانه‌های اجتماعی برآمده از فرهنگ و هویت اصیل عربی و اسلامی در این اثر دلالت می‌کند. برغوثی گاهی با استعانت از نشانه‌های اجتماعی صهیونیست‌های ساکن در سرزمین‌های اشغالی از تلاش آنان برای هویت‌سازی پرده بر می‌دارد. او با ارائه تصویر واقعی از جامعه فلسطین، فرصت تحریف چهره این جامعه مظلوم را از دشمن می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی اجتماعی، پی.یر گیرو، ادبیات پایداری، مرید برغوثی، رمان «ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا».

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

ویژنه‌نامه فصل زمستان ۱۴۰۴ شماره ۱، صص. ۵۱-۷۲

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. n.khosravi@alzahra.ac.ir



۱. مقدمه

با پیشرفت و تحول علوم گوناگون در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم، در حوزه علوم انسانی نیز روش‌های نوینی برای مطالعه متون شکل گرفت. نشانه‌شناسی یکی از این روش‌هاست که با تفسیر ساختار نشانه‌ها و ارتباط میان آن‌ها به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل متون ادبی به شمار می‌رود. با نشانه‌شناسی می‌توان از ظاهر متن فراتر رفت و به مطالب و نتایج دقیق نهفته در کنه و باطن متن دست یافت. نشانه‌شناسی اجتماعی، نشانه‌ها را در بافت اجتماع و در قالب مؤلفه‌های گوناگون بررسی می‌کند که حضور هر یک از آن‌ها در متن بار معنایی خاص خود را داراست.

جامعه فلسطین پس از سال ۱۹۴۸، با مشکلات و مسائل فراوانی مواجه گردید. فلسطینی‌هایی که در سرزمین مادری خود باقی ماندند با انواع ظلم و بیداد از جانب صهیونیست‌ها روبه‌رو بودند. برخی از آنان مجبور به مهاجرت از زادگاه خود شدند. رژیم اشغالگر برای رفت‌وآمد این گروه از فلسطینی‌ها موانع زیادی قرار داده تا بازگشت آنان به وطنشان سخت و گاهی ناشدنی باشد.

مرید برغوثی، نویسنده و شاعر فلسطینی (۱۹۴۴-۲۰۲۱) در سال ۱۹۶۷ در قاهره مشغول ادامه تحصیل بود. پس از دانش‌آموختگی، رژیم صهیونیستی به او اجازه بازگشت به فلسطین را نداد. وی در این زمینه می‌نویسد: «مدرک دانش‌آموختگی خود را از دانشگاه گرفتم ولی دیواری پیدا نکردم که مدرکم را روی آن نصب کنم» (البرغوثی، ۲۰۲۴، ص. ۱۵). مرید برغوثی در رمان «ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا» (آنجا به دنیا آمدم، اینجا به دنیا آمدم)، از رویدادهای سفر به فلسطین به همراه تنها فرزندش، تمیم می‌نویسد. این نخستین سفر تمیم به فلسطین است و به‌منظور دریافت شناسنامه فلسطینی برای او انجام شده است. مرید برغوثی به‌منظور معرفی جزئیات جامعه فلسطینی به فرزندش، او را به مکان‌های مختلف فلسطین برده و به روایت این بازدیدها می‌پردازد. نویسنده در کنار روایت اصلی از خاطرات گذشته خود و سفرهایی می‌گوید که پس از آن، به سرزمین فلسطین اشغالی تجربه کرده است. توصیف‌های او گنجینه‌ای از نشانه‌های اجتماعی جامعه فلسطین را به مخاطب منتقل می‌کند. جستار حاضر در پی آن است بر پایه نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی «پی‌یر گیرو»^۱، به بررسی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در رمان «ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا» مرید برغوثی بپردازد. نشانه‌شناسی اجتماعی رویکردهای مختلفی دارد، انتخاب نظریه «پی‌یر گیرو» بر این اساس صورت گرفته است که در این نظریه، نشانه‌های اجتماعی در قالب نشانه‌های هویت (آرم، پرچم، یونیفورم، نشان، مدال، آرایش، نام و لقب، شاخص و علائم تجاری) و نشانه‌های نزاکت (لحن کلام، سلام و خداحافظی، توهین، اطوارپژوهی، فاصله‌پژوهی و خوراک) مورد توجه قرار می‌گیرد و بستر مناسبی را برای بررسی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در این رمان فراهم می‌آورد. این جستار درصدد پاسخگویی به این دو پرسش است: بر اساس نظریه «پی‌یر گیرو»، کدام نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در رمان برغوثی به کار رفته است؟ این نشانه‌ها و رمزگان‌ها دربردارنده چه دلالت‌هایی است؟

¹ Pierre Guiraud

۲. پیشینه پژوهش

نظریه «پی‌یر گیرو» یکی از رویکردهای نشانه‌شناسی اجتماعی است که می‌توان از آن برای تحلیل متون ادبی بهره برد. در پژوهش‌های زیر از این رویکرد برای نقد متون ادبی استفاده شده است:

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن» به قلم فرهنگی و باستانی خشک‌بیجاری (۱۳۹۳) نشانه‌های اجتماعی را در دو سطح نشانه‌های هویت و معاشرت، در رمان «بیوتن» رضا امیرخانی بررسی کرده و در سطح نشانه‌های هویت به مؤلفه‌هایی همچون دین، پوشاک، خوراک، شغل، مکان، نام‌ها و القاب و زبان پرداخته و در سطح نشانه‌های معاشرت، لحن کلام و ارتباط غیرکلامی را مورد مطالعه قرار داده است.

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان «الحرب فی بر مصر» از اله‌بخشی و کردآبادی، (۱۳۹۸) با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو، به تحلیل نشانه‌های مربوط به هویت همانند نام‌ها و القاب و شغل افراد، و نشانه‌های آداب معاشرت مانند لحن کلام، اطوار و حالات شخصیت‌ها و پوشاک و خوراک پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نویسنده در این رمان، نابه‌سامانی جامعه خود را روایت کرده است.

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی مقامات حریری باتکیه بر نظریه پی‌یر گیرو» نوشته عموری و خلیلی (۱۳۹۹) بارزترین نشانه‌های اجتماعی مقامات را در قالب عوامل شغل اقشار جامعه، لباس‌ها، مکان‌ها، نام‌ها و القاب، اطوار و حالات، لحن کلام، خوراک و تغذیه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که حریری با به‌کارگیری این نشانه‌ها در مقامات، اوضاع اجتماعی- فرهنگی حاکم بر جامعه خود را بازتاب داده است.

مقاله «بازنمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرُّجُل الذی آمَنَ بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو» با کوشش جواد، جهان بخت لیلی و شعبانی چافجیری (۱۴۰۰) به بررسی نشانه‌های هویت اسلامی در «رمان الرُّجُل الذی آمَنَ نجیب کیلانی» پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده است که کیلانی با تمرکز بر برخی از نشانه‌های اجتماعی همچون اعتقادات دینی، عواطف دین‌مدارانه، اعمال دینی، یونیفرم و تن‌پوش‌های هویت‌بخش، القاب و نام‌های هویت‌مند، روابط و مناسبات شغلی مبتنی بر اخلاق اسلامی، به دنبال پاسداری از فرهنگ دینی است.

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی شخصیت مجنون» اثر فرامرزی‌فرد و مرادی (۱۴۰۲) منظومه لیلی و مجنون را از منظر نشانه‌شناختی و از جنبه اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌دهد و در این راستا ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مجنون را در بافت فرهنگی و موقعیتی جامعه عرب از طریق بررسی دال‌ها و مدلول‌ها بررسی می‌کند. در بخش نظری این پژوهش به نظریه‌های نشانه‌شناسی عمومی پرداخته شده و تحلیل‌ها بر اساس نظریه‌های موجود در زمینه نشانه‌شناسی اجتماعی صورت گرفته است.

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان «دفاتر الوراق» اثر جلال برجس بر اساس نظریه پی‌یر گیرو» از زودرنج و کرمی (۱۴۰۴) به تبیین نشانه‌های اجتماعی در این رمان پرداخته است و نتایج برآمده از پژوهش نشان می‌دهد برجس در ترسیم مشکلات جامعه اردن از نشانه‌های اجتماعی بهره برده است.

بیشتر پژوهش‌هایی که درباره آثار مرید برغوثی صورت گرفته است به بررسی شعر او اختصاص دارد. مقاله «الأفعال الكلامية التوجيهية في رواية رأيت رام الله لمريد البرغوثي (الاستراتيجية الاستفهامية أنموذجا)» نگاشته رستم‌پور ملکی و آقاجانی (۱۳۹۹)، کنش‌های گفتاری اظهاری رمان رأیت رام الله (بازگشت به رام‌الله) را بررسی کرده است. ترجمه فارسی رمان ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا، با عنوان آنجا به دنیا آمدم، اینجا به دنیا آمدم (۱۴۰۳) توسط انسیه سادات هاشمی انتشار یافته و در پژوهش حاضر برگردان نمونه‌های رمان، با تغییر در برخی از موارد، از این ترجمه آورده شده است. بر اساس پیشینه ارائه‌شده، تا کنون پژوهشی درباره رمان ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا انجام نشده است. این اثر برای نخستین بار، رمان مذکور را با کاربست مؤلفه‌های نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو مورد خوانش قرار می‌دهد.

۳. چارچوب نظری

از آنجاکه جهان سرشار از نشانه است، نشانه‌شناسی به عنوانی دانشی فراگیر جلوه می‌کند که در همه حوزه‌های شناخت به‌ویژه در علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی کاربرد دارد (برگر، ۱۳۸۵، ص. ۹۱). «سوسور»^۱ بر این باور بود که می‌توان دانشی را تصور کرد که حیات نشانه‌ها را درون جامعه مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دانش بخشی از روان‌شناسی اجتماعی خواهد بود؛ سوسور این دانش را علم نشانه‌ها یا سیمبولوژی می‌نامد. علم نشانه‌ها بنیان نشانه‌ها و قوانین حاکم بر آن‌ها را نشان می‌دهد (۱۳۸۷، ص. ۲۴).

در تعریف «پی‌یر گیرو» نشانه محرک^۲ یا جوهر محسوسی است که تصویر ذهنی^۳ آن در ذهن ما با تصویر ذهنی محرک دیگری تداعی می‌شود. کارکرد محرک نخست برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است. رابطه میان دال و مدلول از نوع قراردادی است و از توافق میان کاربران نشانه‌ها ناشی می‌شود. این قراردادهای می‌تواند تلویحی یا تصریحی باشد (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۷۳ و ص. ۷۵).

مفهوم رمز در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. نشانه‌ها وقتی معنی می‌یابند که با یکدیگر در ارتباط باشند. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنی‌دار تبدیل می‌سازد و موجب ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود. قراردادهای رمزگان نشانگر بعدی اجتماعی در نشانه‌شناسی هستند (چندلر، ۱۳۹۴، صص. ۲۲۱-۲۲۲). در رمزگان‌های اجتماعی انسان هم حامل نشانه است و هم جوهر آن و به طور همزمان دال و مدلول است. فرد به واسطه نشانه اجتماعی هویت خود و تعلق خود به گروه را آشکار می‌کند و درعین حال، خود این تعلق را پذیرا می‌شود و آن را ایجاد می‌کند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۶).

نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای معاصر حوزه نشانه‌شناسی است و به مطالعه نظام‌های مختلف دلالتی در یک جامعه می‌پردازد. این شاخه از نشانه‌شناسی افزون بر کلام، تصویر، نظام‌های دیداری، موسیقی و

¹ Ferdinand de Saussure

² stimulus

³ image mentale





صدا را نیز در بر می‌گیرد (عظیمی‌فرد، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۰). نشانه‌شناسی اساساً اجتماعی است و پسوند اجتماعی در اینجا، مرزهای این شاخه از نشانه‌شناسی را با شیوه‌های دیگر نشان می‌دهد (سجودی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۹). نشانه‌شناسی اجتماعی از نشانه‌شناسی مکتب پاریس و به‌ویژه از آثار «رولان بارت» تأثیر فراوانی پذیرفت. اما در طول زمان از وابستگی صرف به ساختار و نظام بسیار فراتر رفت. همان‌طور که تمرکز زبان‌شناسی از «جمله» به «متن» و «بافت» آن متن و از «دستور» به «گفتمان» تغییر کرد. کانون توجه نشانه‌شناسی اجتماعی نیز از «نشانه» به شیوه به کارگیری «منابع» نشانه‌شناختی به منظور تولید دست‌ساخته‌ها و رخدادهای ارتباطی و تفسیر آن‌ها در بافت موقعیت و فعالیت‌های اجتماعی مشخص تغییر یافت (لیوون، ۱۳۹۵، ص. ۱۷). بنابراین این نوع از نشانه‌شناسی به جای نشانه، بر فرآیند معناپردازی^۱ در بستر جامعه و فرهنگ متمرکز است (عظیمی‌فرد، ۱۳۹۲، صص. ۱۹۰-۱۹۱). معناپردازان متن و فهمندگان معنی آن، در بافت اجتماعی-فرهنگی خاصی قرار دارند. از این‌رو برای فهم معنی متن، افزون بر نظام زبانی، باید زیستگاه اجتماعی آن را نیز در نظر گرفت (ساسانی، ۱۳۸۹، ص. ۸)؛ به بیان دیگر، بافت‌هایی که در آن‌ها معنی شکل می‌گیرد، عاری از ارزش‌های اجتماعی نیستند (Halliday, 1978, p.2). نشانه‌شناسی اجتماعی رویکردهای متفاوتی دارد که همگی از آثار «مایکل هلیدی» برگرفته شده‌اند. از نقطه‌نظر انتزاعی، این رویکردها در یک مسئله از یکدیگر متمایز می‌شوند: بنا نهادن اصول خود بر پایه نظری زبانی یا نشانه‌شناختی «هلیدی» (کرس، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی هلیدی (۱۹۷۸) درباره زبان، محرک اصلی گسترش نشانه‌شناسی اجتماعی قلمداد می‌شود (لیوون، ۱۳۹۵، ص. ۱۸). هلیدی خود نیز از نشانه‌شناسی اجتماعی نام برده است و قید «اجتماعی» آن را در وهله نخست یک نظام اجتماعی یا یک فرهنگ به شمار آورده است؛ هرچند او به تفسیری خاص از واژه «اجتماعی» نیز قائل است که همان بررسی روابط بین زبان و فرهنگ اجتماعی است و فرهنگ اجتماعی را بعدی از نظام اجتماعی می‌داند (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۵۱).

این پژوهش بر اساس دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی «پی‌یر گیرو»، به بررسی انواع نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در رمان «ولدتُ هُناک، ولدتُ هُنا» می‌پردازد. بدین‌منظور در سطح نشانه‌های هویت، مؤلفه‌های آرم، پرچم، یونیفورم، نشان، مدال، آرایش، نام و لقب، شاخص و علائم تجاری و در سطح نشانه‌های نزاکت عوامل لحن، کلام، سلام و خداحافظی، توهین، اطوارپژوهی، فاصله‌پژوهی و خوراک مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح رمزگان‌های اجتماعی نیز چهار مؤلفه آیین‌ها، مناسک، مدها و بازی‌ها مطالعه می‌شود.

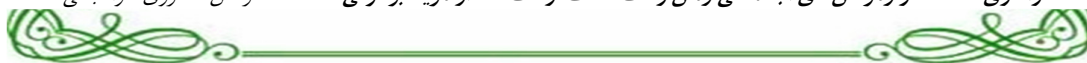
۴. پردازش تحلیلی موضوع

۴.۱. نشانه‌های اجتماعی

۴.۱.۱. **نشانه‌های هویت:** این گروه از نشانه‌ها متشکل از نشان‌ها و شاخص‌ها هستند. «نشان‌ها» و «شاخص‌ها» تعلق فرد به یک گروه اجتماعی یا اقتصادی و سازمان‌بندی جامعه و رابطه میان افراد و گروه‌ها را نمایش می‌دهند. این نشانه‌ها انواع گوناگونی دارند:

¹ semiosis





۴.۱.۱.۱. «پرچم»، «توتم» و مانند آن‌ها بیانگر تعلق فرد به یک گروه مانند منطقه، شهر، کشور و... است (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۷). افراد تشکیل‌دهنده «کلان» با یکدیگر دارای مناسبات و نوعی خویشاوندی هستند که برآمده از همخونی آنان نیست. آنچه هویت «کلان» را تعیین می‌کند، «توتم»^۱ نامیده می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۷). برغوثی از قرار نداشتن پرچم فلسطین بر روی تابوت پیکر برادرش تعجب می‌کند. او که پرچم هر کشوری را تعیین‌کننده هویت کلان ملی می‌داند، بر این باور است که باید تابوت هر شهروندی که رخت از این جهان بر می‌بندد، با پرچم کشورش پوشیده شود و تا آخرین لحظات، نماد تعلق به میهن با او همراه باشد.

«لو كنت حاكماً لأصدرت تعليماتى بأن يغطى بعلم البلاد كل مواطن يفارق الحياة، هذا أبسط حقوقه على أهله الأحياء. العلم هو علم الناس، علم المواطنين، العلم هو علم المحكوم لا الحاكم» (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۱۵۶).^۲ برغوثی در سرزمین‌های اشغالی، با فراوانی پرچم اسرائیل روبه‌رو است. رژیم صهیونیستی با استفاده از نشانه پرچم در اماکن گوناگون، حتی بر روی مکعب‌های سیمانی کنار جاده، در پی آن است تا میان ساکنان این سرزمین، برای خود هویت‌سازی نماید.

«على الجميع أن يمر بين المكعبات الاسمنتية وفوق رؤوس هؤلاء المئات، يرفرف علم إسرائيل بنجسته السداسية. وكما لو أن رفعه في الهواء لا يكفى، فقد رسموه أيضاً على مكعبات الإسمنت»^۳ (همان، ص. ۱۷۸).

۴.۱.۱.۲. یونیفرم‌ها هم نشانه گروه‌های گوناگون اجتماعی، سازمانی، شغلی، فرهنگی و قومی هستند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸). زبان در نظام پوشاک از تقابل قطعه‌ها، تکه‌های لباس، جزئیات و قواعدی به دست می‌آید که بر رابطه بین قطعه‌ها با همدیگر و بسته به طول یا عمق بدن حکم می‌کنند (بارت، ۱۳۹۶، ص. ۸۷).

در چند بخش از این اثر، درباره یکی از مسافران تاکسی سخن به میان می‌آید که زنی محجبه است و نقاب بر چهره دارد. برغوثی در این قسمت به قطعه‌ای از پوشاک به نام نقاب اشاره دارد که نشانه پوشش گروهی از زنان متدین جامعه فلسطینی است.

«بینی و بین السیدة المنقبة فی المقعد الخلفی یجلس فتی حزین، [...] فلم یسبق لی فی سنوات الغربة رؤية امرأة منقبة تتناول مشروباً أو طعاماً فی مكان عام»^۴ (البرغوثی، ۲۰۱۱، صص. ۱۴-۱۵).

مرید برغوثی که در پی ارائه نشانه‌های اجتماعی در جامعه فلسطین است، به نقل از کتاب «المراحل» که نوشته یکی از افراد خاندان او است، لباس عربی مردان روستایی فلسطینی را توصیف می‌کند. برغوثی به این

^۱ totem

^۲. من اگر مسئول بودم دستور می‌دادم پیکر هر شهروندی که از دنیا می‌رود، با پرچم کشورش پوشانده شود. این کم‌ترین حقی است که به گردن بازماندگان می‌ماند. پرچم هر کشوری متعلق به مردم آنجاست. متعلق به شهروندان است. این پرچم، پرچم مردم است، نه مسئولین.
^۳. همه باید از میان مکعب‌های سیمانی بگذرند. روی هر کدام از این صدها مکعب، پرچم اسرائیل با آن ستاره شش پرش تکان می‌خورد. انگار این همه پرچم به‌هتزاز درآمده کافی نیست که روی مکعب‌ها هم تصویر پرچم کشیده‌اند.

^۴. میان من و زن پوشیده‌دار روی صندلی عقب، یک پسر غمگین نشسته است [...] در تمام سال‌های غربت سابقه نداشته زنی را با پوشیه ببینم که در یک مکان عمومی نوشیدنی یا غذا می‌خورد.



ویژگی خاندان خود اشاره می‌کند که مدارک و پولشان را در جیبشان قرار می‌دهند، درحالی‌که دیگر روستایی‌ها لوازمشان را در کلاه عربی روی سرشان می‌گذارند که می‌تواند از نوع لبده یا طربوش باشد. در صورتی هم که کلاه بر سر نداشته باشند و از چفیه و عقال استفاده کنند، از کمربندشان برای این کار بهره می‌گیرند. «لبده»، «طربوش»، «چفیه» و «عقال» نشانه‌هایی از جنس پوشاک را در فرهنگ عربی آیینگی می‌کنند.

«إن القرویین یضعون کثیراً من حاجاتهم فی لباس رأسهم بین اللبده والطربوش. وإذا کان أحدهم یعتمر حطه وعقالاً وضع أوراقه ونقوده فی حزامه، فمخزنهم لباس الرأس أو الحزام، ولكن البرغوثی کان یری فی هذا غضاضةً ویضع حاجاته فی جیوبه»^۱ (همان، ص. ۸۶).

یونینفرم نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی نیز از جمله نشانه‌هایی است که می‌توان آن را از عوامل عدم اعتماد فلسطینی‌ها به این رژیم یهودی بر شمرد؛ چراکه سه یا چهار نسل فلسطینی، از یهودیان جز کلاه‌خود، لباس نظامی خاکی‌رنگ و دستانی روی ماشه چیز دیگری ندیده‌اند.

«مشکلتننا مع الیهودی فی هذه «الدولة الیهودیة» كما یصرّ هو علی تسمیتها، أن ثلاثة أو أربعة أخیال فلسطینیة لم تر من الیهودی إلا خودته. لم تر هذا الیهودی إلا بالکاکی، ویده علی الزناد»^۲ (همان، ص. ۴۸).

۱. ۱. ۳. «نشان‌ها» و «مدال‌ها» بازمانده نمادین آرم‌ها و یونینفرم‌ها هستند و همان کارکردها را در شکلی ضعیف‌تر دارند. مدال‌ها تداوم‌بخش مدارج کهن سلحشوری‌اند و نشان‌ها نمایانگر تعلق اشخاص به گروه‌های مختلف هستند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸).

نویسنده بر این باور است که فلسطینی‌ها خود باید به روایت درست تاریخ سرزمین‌شان بپردازند و اجازه ندهند که دشمن آن‌گونه که می‌خواهد این تاریخ را روایت کند. راوی فلسطینی در مسیر روایت تاریخ سرزمین خود، رهبران نالایقش را با تمام مدال‌ها، نشان‌ها و درجه‌های نظامی‌شان به سخره خواهد گرفت. به بیان دیگر، مهم‌ترین نشانه‌های اجتماعی این رهبران شایسته تحقیر است، چراکه آزادی فلسطین با این نشانه‌ها و افتخارات واهی محقق نشد.

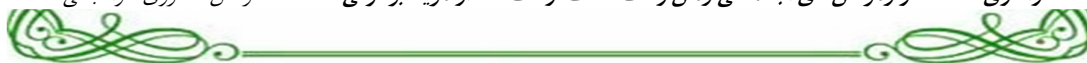
«سنعید التاريخ تاریخاً لمخاوفنا وهواجسنا وصرنا [...] تاریخاً لاستهزائنا بالقیادات وتمکنا علی الأؤمة والنیاشین والرتب العسكرية...»^۳ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۸۳).

۱. ۱. ۴. «خال کوبی»، «آرایش»، «مدل مو» و مواردی از این قبیل نشان‌های رمز پرداخته در جوامع بدوی هستند و مدهای امروزی نیز بازمانده آن‌ها هستند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸).

^۱. روستایی‌ها خیلی از چیزهایشان را در سرپوششان که یا لبده است یا طربوش می‌گذارند. اگر هم چفیه و عقال ببندند، مدارک و پولشان را در کمربندشان می‌گذارند. سرپوش و کمربند برای آن‌ها در حکم انبار است، اما این کار برای برغوثی‌ها کسر شأن است.
^۲. «مشکل ما با یهودی‌ها در این «دولت یهودی» که خودش اصرار دارد این‌طور نامیده شود، این است که سه یا چهار نسل فلسطینی از یهودیان جز کلاه‌خود چیزی ندیده‌اند. این یهودی‌ها را همیشه در حالی دیده‌اند که لباس خاکی نظامی به تن داشته و دستشان روی ماشه بوده است».

^۳. «ما دوباره تاریخ را به تاریخ ترس و نگرانی و صبر و [...] بر می‌گردانیم. [...] تاریخ مسخره کردن رهبرانمان و ریشخند به مدال‌ها و نشان‌ها و درجه‌های نظامی».





بارت بر این باور است که تمامی کالبد آدمی اعم از چشمان، لب‌خند، تاری از مو، حرکات و لباس‌ها با ما گفت‌وگو می‌کنند (بارت، ۱۳۹۵، ص. ۲۵). «خال‌کوبی‌ها»، «آرایش‌ها»، و «مدل‌های مو» نیز از این قاعده مستثنی نیستند و اگر بتوان آن‌ها را گونه‌ای از هنر نیز قلمداد کرد، باید گفت هنر به‌شیوه‌ای درونی و ذاتی، اجتماعی است (تودوروف، ۱۴۰۲، ص. ۷۳).

نویسنده در اینجا به مدل موی دختر جوانی اشاره می‌کند که به‌عنوان یکی از مسافران مینی‌بوس همراه آنان از رام‌الله به سمت اریحا حرکت می‌کند. سخن از مدل بستن موهای این دختر پس از توصیف پوشش خانم محجبه‌ای که در مسیر حضور دارد، می‌تواند حاکی از کوشش نویسنده برای نشان دادن گونه‌های متفاوت پوشش در جامعه فلسطین باشد.

«في المقاعد الثلاثة الوسطى تجلس البنت الشابة ولا أرى منها إلا شعرها المعقود كذيل حصان وأذنيها الصغيرتين بلا أقراط»^۱ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۱۵).

۴. ۱. ۵. «نام‌ها» و «لقب‌ها» ساده‌ترین و عمومی‌ترین نشانه‌های هویت به شمار می‌آیند و تعلق شخص به یک خانواده یا کلان، یک شغل یا برخورداری از یک ویژگی جسمانی را نشان می‌دهند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸). از دیرباز، محققان و نویسندگان به ریشه‌شناسی نام‌ها و ارتباط آن‌ها با منابع غیر نامی توجه داشته‌اند. هنگامی که این ریشه‌شناسی‌ها توسط یک جامعه به‌عنوان «معانی» قلمداد شوند، می‌توانند اهمیت فرهنگی قابل توجهی پیدا کنند (Anderson, ۲۰۰۷, p. ۸۴). استفاده از اسم‌های علم به‌منظور تعیین هویت شخصیت‌ها، تبیین الگوی رفتاری آن‌ها و معرفی کردن وطن، نسب و لقب آنان یک فرآیند تصادفی نیست، بلکه گاهی نویسنده با انتخاب اسامی به‌دنبال انتقال برخی از معانی است (حمداوی، ۲۰۱۱، ص. ۵۴).

فراوانی نام‌های عربی در رمان همچون، مرید، رضوی، تمیم، منیف، «سلافه و غسان و غاده و غدیر و مجید و علاء و طلال» (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۱۵۷) و... حاکی از تمایل مردم فلسطین به نام‌گذاری فرزندان خود بر اساس فرهنگ عربی است. کاربرد اسم‌های عربی مکان‌های گوناگون در رمان همچون رعد، سحایل و عین‌الدیر نیز دلالت بر شکل‌گیری حوادث این اثر در یک کشور عربی دارد که توسط صهیونیست‌ها به یغما رفته است. «تجاوزنا عتبة البوابة العالية لدار رعد، واجهتنا الجبال وحقول الرويس والسحایل وطريق عين الدیر»^۲ (همان، ص. ۱۲۳).

برغوثی با توجه به اهمیت اسامی به‌عنوان یکی از نشانه‌ها و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، حساسیت خود را به‌وضوح درباره تلاش دشمن صهیونیستی برای حذف نام «فلسطین» از نقشه، تاریخ و حافظه نشان می‌دهد. هدف از نسبت دادن این منطقه به رود اردن و انتخاب نام «کرانه باختری» برای آن، حذف نام فلسطین از همه نقشه‌های جهان است.

^۱. روی سه صندلی وسط، یک دختر جوان نشسته که فقط موهای دم اسبی و گوش‌های کوچک بی‌گوشواره‌اش را می‌بینم.

^۲. «از سردر بلند سرای رعد رد شدیم. با کوه‌ها و مزارع رویس و سحایل و جاده عین‌الدیر روبه‌رو شدیم».



«ولأن المطلوب هو اسم «فلسطين» من الخريطة ومن التاريخ ومن الذاكرة، نسبت هذه المنطقة إلى نهر الأردن فسميت باللغة العربية وبكل لغات العالم «الضفة الغربية» وهكذا اختفى اسم «فلسطين» نهائياً من كل خرائط الدنيا»^۱ (همان، ص. ۱۸۴).

۴. ۱. ۱. «شاخص‌ها» به جای افراد به چیزهایی اشاره دارند که اجتماعی شده‌اند و دربردارنده یک نظام دلالتی هستند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۹). از جمله این شاخص‌ها می‌توان از زیتون نام برد. درخت زیتون به‌علت ویژگی‌های منحصر به فردی همانند عمر طولانی و قدرت تحمل شرایط دشوار، نشانه مقاومت و نماد کشور فلسطین شده است. در شعر معاصر عربی، به‌ویژه شعر مقاومت و فلسطین، زیتون دلالت‌های متعدد و متنوعی یافته است؛ هرچند بیشتر این دلالت‌ها به فلسطین و موضوعات مربوط به این کشور اختصاص دارد (مقدم متقی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۶). زیتون از منظر برغوثی نیز از معنای اولیه خود خارج شده و دلالت‌های گوناگونی داراست. او زیتون را برای فلسطینیان، شجره‌نامه، مایه آبرو و موضوع اخبار روزانه و گفت‌وگوهای شبانه می‌داند. برغوثی به نقش زیتون در معیشت و اقتصاد مردم این سرزمین می‌پردازد و آن را شناسنامه‌ای قلمداد می‌کند که نیازی به مهر و عکس ندارد و با مرگ صاحبش منقضی نمی‌شود.

«وراء كل شجرة زيتون تقتلها الجرافات الإسرائيلية ثمة شجرة أنساب لفلاحين فلسطينيين تسقط عن الحائط. الزيتون في فلسطين ليس مجرد ملكية زراعية، إنه كرامة الناس، هو نشرة أخبارهم الشفهية، حديث مضافاتهم في ليالي السم، بَنُكُهُم المركزي ساعة حساب الربح والخسارة، نَجْمُ موائيلهم، ورفيق لقمتهم. هو بطاقة الهوية التي لا تحتاج إلى أختام ولا صوراً ولا تنتهي صلاحيتها بموت صاحبها...»^۲ (البرغوثي، ۲۰۱۱، صص. ۲۰-۲۱).

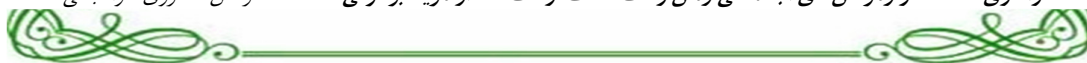
۴. ۱. ۱. «علائم تجاری» بیانگر محل ساخت یک کالا هستند و از جمله نشانه‌هایی هستند که وضعیت و اقتصاد جامعه را مشخص می‌کنند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۰).

رژیم صهیونیستی به‌منظور جلوگیری از بازگشت فلسطینی‌ها به سرزمین‌شان، دست به تخریب جاده‌ها می‌زند. برغوثی در یکی از سفرهای خود به رام‌الله، در کنار گروهی از نویسندگان خارجی است که تصمیم دارند به بازدید از دانشگاه بیرزیت بروند. از آنجاکه امکان آمدوشد با ماشین در مسیر فراهم نیست، برای حمل وسایل از الاغ استفاده می‌کنند. نویسنده در اینجا با لحنی طنزآمیز از قرار گرفتن چمدانی با علامت تجاری دلسی که متعلق به یکی از مهمانان خارجی است، بر روی الاغ سخن می‌گوید. دلسی یکی از نشان‌های تجاری گران‌قیمت تولیدکننده کیف و چمدان است. ظلم و تجاوزگری صهیونیست‌ها موجب شده این نشان تجاری نیز در جایگاهی قرار بگیرد که دور از انتظار است.

^۱ از آنجاکه هدف این بود که نام «فلسطین» را از نقشه و تاریخ و حافظه حذف کنند، این منطقه را به رود اردن نسبت دادند و نامش را به عربی و تمام زبان‌های جهان «کرانه باختری» گذاشتند و اینچنین نام «فلسطین» از تمام نقشه‌های جهان محو شد.

^۲ پشت هر درخت زیتونی که بولدورهای اسرائیل از ریشه کنده‌اند، شجره‌نامه یک کشاورز فلسطینی است که بر زمین می‌افتد. زیتون در فلسطین فقط یک سرمایه کشاورزی نیست. زیتون آبروی مردم است. اخبار روزمره آن‌هاست. موضوع گفت‌وگوی شب‌نشینی‌های آن‌هاست. بانک مرکزی آن‌ها به وقت محاسبه سود و ضرر است. زرق و برق سفره و رفیق لقمه آن‌هاست. شناسنامه‌ای است که مهر و عکس نمی‌خواهد و با مرگ صاحبش، منقضی نمی‌شود.





«سيدة أجنبية متقدمة في السن تمشي بجوار حمار آخر، في خُرْجِه حقيبتا سفر تتأرجح من إحداها بطاقة «دبليسي» تدل على ماركة الحقيبة الفخمة. لم تتخيل مصانع «دبليسي» أن تنقل الحمير حقائبها هنا»^۱ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۳۰).

۲.۱.۴. نشانه‌های نزاکت: انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر از «نشان‌ها» و «شاخص‌ها» به‌عنوان راهی برای شناساندن خود به دیگران استفاده می‌کنند. این روابط پایدار با روابط گذرای خاصی همچون پوشیدن یا نپوشیدن لباس رسمی برای رفتن به مهمانی همراه می‌شوند که متناسب با افراد و موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۰). نزاکت و آداب‌دانی نشانه‌هایی هستند که شخص با آن، تعلق خود را به یک گروه نشان می‌دهد (همان، ص. ۱۵۸).

«پی‌یر گیرو» از رمزگان‌هایی با عنوان رمزگان‌های هم‌وندی سخن می‌گوید که کمک‌کار زبان هستند و مواردی همچون لحن کلام، سلام و خداحافظی، توهین و اطوارپژوهی را ذیل این گروه از رمزگان‌ها قلمداد می‌کند (همان، ص. ۱۵۱).

۱.۲.۱.۴. لحن یا آهنگ کلام که شیوه بیان روابط میان فرستنده و گیرنده است می‌تواند، خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه، ملایم و... باشد (همان). نویسنده در همه جای رمان خود حاضر است و این حضور غالباً بدون زبان مستقیم خاص او دیده می‌شود. زبان رمان نظامی از زبان‌هاست که در مکالمه به طور متقابل خود را نشان می‌دهد (ایوتادیه، ۱۴۰۲، ص. ۴۷). آهنگ و لحن کلام همواره در مرز عامل کلامی و غیرکلامی جا می‌گیرد و به‌غلیت اجتماعی است و بر همه دگرگونی‌های محیط اجتماعی پیرامون گوینده به‌شدت حساس است (تودوروف، ۱۴۰۲، ص. ۸۳).

مسافر جوانی که نگران است در صورت تأخیر، به پرواز هواپیما نرسد و بورس تحصیلی‌اش را از دست دهد، در گفت‌وگو با راننده لحنی مؤدبانه دارد و راننده که اختلاف سنی چندانی با این جوان ندارد، با لحنی پدرا نه به او پاسخ می‌دهد.

«- هل سترجعنا إلى رام الله؟ أنا طيارتي الليلة وإذا ضاعت علي أفقد المنحة وتضيع علي الجامعة.

يقول الفتى الجالس بجواري بصوت مهذب، كأنه يحدث نفسه رغم أنه يلمس بأصابعه كتف السائق ويستعد لسماع ما يطمئنه.

السائق يجيبه بصوت أبويٍّ رغم تقاربهما في العمر:

- أنا عمري ما رجعت راکب مهما صار. بس ساعدوني إذا لزم الأمر. هذا كل ما أريده منكم. لا تخافوا. اضحك يا عمي وهون عليك. بدهم ايانا مشلولين ومرعوبين. هم مش عارفين إنا تعودنا»^۲ (البرغوثي، ۲۰۱۱، صص. ۱۹-۲۰).

^۱. یک خانم خارجی سالخورده در کنار الاغی راه می‌رود که در خورجینش دو چمدان است. از یکی از چمدان‌ها کارت «دلسی» که یک برند گران کیف است، تاب می‌خورد. هیچ‌وقت کارخانه‌های «دلسی» فکر نمی‌کردند که یک کره‌الاغ اینجا کیف‌هایشان را بار بزند.

^۲ «-برمون می‌گردنی رام‌الله؟ من امشب پرواز دارم، اگه نرسیم، بورسیه و دانشگاهم می‌پره. پسری که کنارم نشسته با لحنی مؤدبانه این حرف را می‌زند. انگار دارد با خودش حرف می‌زند، اما انگشتانش را روی شانه راننده گذاشته و منتظر جوابی است که خیالش را راحت کند. راننده که اختلاف سنی چندانی با او ندارد، با یک لحن پدرا نه می‌گوید:



کاربرد گویش عامیانه در گفت‌وگوهای این اثر قابل توجه است. گویش سخنی است که گوینده بنا به عادت و بسته به این اصل که او چه کسی است بر زبان می‌آورد و حاکی از تعلق جغرافیایی و اجتماعی اوست (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳). استفاده از گویش عامیانه در رمان، خواننده را در مواجهه با نشانه‌های زبانی رایج در جامعه نویسنده قرار می‌دهد و خود نشانه‌ای است که بر واقع‌گرا بودن داستان دلالت می‌کند.

در جامعه‌شناسی رمان واقع‌گرا، جامعه‌شناس و ناقد ادبی با روایتی هنری از واقعیتی اجتماعی روبه‌رو هستند؛ چرا که رمان بازتاب لحظه‌های خاصی از تاریخ جامعه است، با این وجود به‌عنوان یک اثر هنری قلمداد می‌شود (حقایقی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۷۳).

۴.۲.۱. سلام و خداحافظی نیز قراردادی‌اند و در فرهنگ‌های مختلف متفاوتند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱). تمیم، تنها فرزند مرید برغوثی، در دوره کودکی به‌علت تبعید پدر فلسطینی‌اش از مصر، فقط در ایام تعطیلات مدرسه می‌تواند چند روزی را در کنار او بگذراند. او ناچار است به‌تنهایی با هواپیما راهی بوداپست شود. در فرودگاه مهمانداران از نحوه به آغوش کشیدن پدر متوجه می‌شوند که فرزند اوست. در آغوش کشیدن یکی از نشانه‌هایی است که در فرهنگ جامعه نویسنده به هنگام دیدار و همراه با سلام رواج دارد. در ارتباطات اجتماعی، فرستنده غالباً به طور همزمان حامل نشانه و مرجع آن است. این آمیختگی سوژه و ابژه آمیختگی کارکرد ارجاعی و عاطفی را تسهیل می‌کند (همان، ص. ۱۵۶).

«صعدت الدرجات ركضاً. فکوا الشريط وأغناهم عنائفه لي عن طلب ما يثبت أنه بخصني»^۱ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۱۴۶).

اصطلاح «سلام کردن» نیز نشانه‌ای از فرهنگ اسلامی و عربی است که در رمان از آن استفاده شده است.

«أمام مستشفى أريحا سلمنا على سائق الإسعاف ودخلنا إلى العربة»^۲ (همان، ص. ۱۵۹).

در یکی از سفرهای مرید برغوثی به فلسطین اشغالی، راننده پس از تحمل مشقت‌های بسیار موفق می‌شود مسافران را به مقصد برساند. برغوثی به هنگام خداحافظی به دنبال عبارتی می‌گردد که از او قدردانی کند. جمله «مواظب خودت باش» یکی از عبارتهایی است که به ذهنش می‌رسد. او از گفتن این جمله محبت‌آمیز به راننده خودداری می‌کند؛ زیرا بر این باور است، در زمانه‌ای که نمی‌توان از گزند حکام کشورهای عربی در امان بود، افراد نمی‌توانند از خود مواظبت کنند.

«أفكر أن أقول له «دير بالك علي حالك» ولا أقولها.

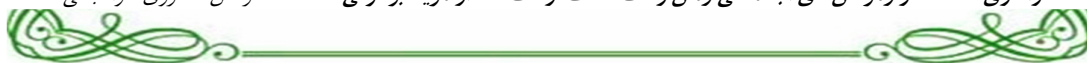
هذه العبارة المحبة الخون، هي أجمل ما يمكن للمرء أن يسمعه من شخص يعنيه عند الوداع. تقولها لي أمي كلما خرجت من البيت، كلما سافرت، كلما غبت في مهمة أو عمل. «دير بالك علي حالك».

– من تو عمرم مسافرمو برنگردوندم. فقط وقتایی که نیاز میشه، بام همکاری کنید. این تنها چیزیه که ازتون می‌خوام. نترسید. بخند عمو! بخند و آروم باش. اینا می‌خوان ما را بترسونند و دست و پامونا ببندن.. نمی‌دونن ما دیگه به این چیزا عادت کردیم».

^۱ «دوان دوان از پله‌ها بالا رفتم. نوار را باز کردند و همین که مرا بغل کرد برایشان کافی بود که بفهمند پسر من است».

^۲ «جلوی بیمارستان اریحا به راننده آمبولانس سلام کردیم و وارد آمبولانس شدیم».





کیف اُدیر بای علی حالی با اُمی؟

إذا أراد حاکم عربي اعتقالي فهو بلا شک سيعتقلني^۱ (همان، ص. ۴۰).

۳.۲.۱.۴. توهین صورت منفی سلام و خداحافظی و حاکی از رابطه دشمنی میان افراد است و قراردادی به شمار می‌آید. «مبارزه‌طلبی» یکی از اشکال رمزپرداخته و مناسکی‌شده توهین است (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱). برغوثی توهین به دشمن صهیونیستی در قالب استهزا و تمسخر او از جانب مردم مظلوم فلسطین را نشانه قدرت این مردم ستم‌دیده بر می‌شمرد و بر این باور است که ملت فلسطین در سکوت، برای مبارزه با اشغالگران آماده می‌شوند. آن‌ها در این دوره شکیبایی پیشه می‌کنند و با تمام وجود زندگی می‌کنند. «ومن علامات قوة المهفور السخریة من الأقوی، والاستعداد الصامت للرد في وقت ما، حتی وإن طال. أثناء هذا الصبر يمارس المهفور شهوة الحياة بكل الحواس»^۲ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۱۸).

نامق تیجانی یک نمونه از شخصیت‌های خائن و منفعت‌طلبی است که در جامعه فلسطین زندگی می‌کنند. نویسنده او را غیر قابل تحمل و نمونه بارز نسل تربیت‌شده در سایه تشکیلات خودگردان می‌داند (همان، ص. ۵۸). او برای دستیابی به قدرت هر گونه توهینی را به جان می‌خرد حتی اگر شخصی آب دهان به صورتش بیندازد. بنابراین وامق و امثال او در مواجهه با رفتارهایی که در جامعه نشانه اهانت قلمداد می‌شوند، تنها به منفعتشان می‌اندیشند و برخلاف یک انسان باشخصیت واکنش درخوری از خود بروز نمی‌دهند. «النامق يهين نفسه لكي يهيمن، تبصق في وجهه فيتأمل الأمر على مهله، يتأمله «يزواق»، فإن كان للبصقة ثمنٌ يجنيه سيبتسم لك، وإن كانت احتقاراً مجانياً يشعر أنه انتصر لأنك لم تقتله هذه المرة واكتفيت بالبصاق فقط فيحمد حظه السعيد. لكنه بعد أن يشعر بالأمان في غيابك، يمنح نفسه كل الوقت لتدبير مكيدة تنال منك»^۳ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۱۸۲).

گیرو نشانه‌های اجتماعی را دارای دلالت‌های ضمنی نیرومندی می‌داند. این نشانه‌ها می‌توانند بیانگر اقتدار و توانمندی یا بر عکس نشانگر تواضع و فروتنی باشند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۵). در این نمونه بی‌تفاوتی نامق در برابر توهین ناشی از ضعف است نه تواضع.

^۱ «به این فکر می‌افتم که بگویم «مواظب خودت باش»، ولی نمی‌گویم.

این عبارت محبت‌آمیز، زیباترین حرفی است که آدم می‌تواند هنگام خداحافظی با کسی که برایش مهم است، بشنود. هر بار که از خانه بیرون می‌روم، یا قرار است سفر کنم یا برای مأموریت یا کاری نیستم، مادرم این جمله را می‌گوید: «مواظب خودت باش». چطور مواظب خودم باشم مادر؟

اگر یک حاکم عرب بخواهد مرا دستگیر کند، بی‌شک دستگیرم می‌کند».

^۲ «یکی از نشانه‌های قدرت مظلوم، تمسخر قوی‌تر و آمادگی خاموش برای پاسخگویی در زمانی هرچند دور است. در طول این دوران صبر، مظلوم با تمام حواسش به زندگی می‌چسبد».

^۳ نامق به خودش توهین می‌کند تا به جایی برسد. اگر توی صورتش تف کنی، با حوصله به این قضیه می‌اندیشد. اگر این تف بهایی داشته باشد و چیزی گیر او بیاید، به تو لبخند می‌زند و اگر صرفاً یک تحقیر مفت باشد، احساس پیروزی می‌کند، چون این بار او را نکشته‌ای و تنها به یک تف اکتفا کرده‌ای، پس اقبال بلند خود را می‌ستاید. اما بعد از اینکه بروی و احساس امنیت کند مفصل وقت می‌گذارد تا برایت نقشه بکشد.



۴.۲.۱.۴. اطوارپژوهی به مطالعه حرکات و تحلیل حلت‌های چهره، ایما، اشاره‌ها و... می‌پردازد که همچون لحن کلام کمک‌کارهای زبان هستند (همان، ص. ۱۵۱). رمزگان غیرگفتاری یک دوره حسی را تنظیم می‌کنند؛ مثلاً در بافت‌های فرهنگی خاص، نوعی رمزگان به نام رمز نگاه کردن وجود دارد که شیوه نگاه کردن مردم به همدیگر را تنظیم می‌کند (چندلر، ۱۳۹۴، ص. ۲۳۰). حلت‌های چهره، به‌تنهایی یا درهم‌نویی با هم یک نظام ارتباط جهانی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند در قدرت ادراک رفتار اجتماعی انسان مؤثر باشد (سیبیاک، ۱۳۹۱، صص. ۵۳-۵۴). رایج‌ترین ویژگی این ارتباطات غیرکلامی آن است که بیشتر تمثیلی (آنالوگ) هستند تا دیجیتالی. در فرم دیجیتال به شباهت میان عناصر کد و معنی باطنی آن‌ها نیازی نیست، ولی در فرم تمثیلی، مقداری از ویژگی اختصاصی مربوط به معنی عناصر وجود دارد (محسنیان راد، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۸).

نویسندگان از انتظار حکومت خودگردان برای لبخند تانک‌های اسرائیلی گلایه می‌کند. رهبران این تشکیلات به‌دنبال سازش با رژیم‌های هستند که جز زبان زور نمی‌فهمد. گویا نمی‌دانند از حکومتی که بقایش را مدیون پشتوانه حمایت نظامی دیگران و کشتار بی‌رحمانه مردم فلسطین است، نمی‌توان لبخند انتظار داشت. نشانه اطوارپژوهانه لبخند در اینجا بر صلح و آشتی دلالت دارد.

«السلطة قررت أن تجلس على كرسيها في انتظار ابتسامة الدبابة الإسرائيلية.

الدبابة لا تبتسم»^۱ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۲۷۳).

در جریان انتفاضه دوم، کودک دوازده ساله‌ای با نام محمد الدره، در حالیکه به آغوش پدرش پناه برده بود، با شلیک گلوله نیروهای اشغالگر صهیونیست به شهادت رسید. در این حادثه جمال الدره، پدر این کودک نیز دچار جراحت شد. وقتی نگاه برگوئی به دست راست او می‌افتد که با یک تکه پوست به کتفش آویزان است، نشانه‌های شرم بر چهره جمال هویدا می‌شود. پی بردن به شرم از حالت چهره، حکایت از ادراک رفتار اجتماعی جمال توسط نویسنده دارد.

«بدأ لي جمال الدرة ساعتها قوياً، لكن عندما ساعده شقيقه الأصغر على خلع قميصه ذات صباح، وكنت معهما في غرفة، أُنظر اصطحابهما إلى موعد مشترك، رأيت ذراعه الأيمن معلقاً بكتفه ببقية رفيعة من الجلد. كانت على وجهه هجمة خجل عابرة لأنه رأى أنني رأيت»^۲ (همان، صص. ۲۵۹-۲۶۰).

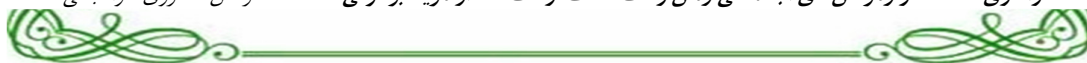
۴.۲.۱.۵. فاصله پژوهی: زمان و مکان نیز در ارتباط زبانی مؤثرند. فاصله شخص با مخاطب و زمانی که برای شنیدن پاسخ او یا برای جواب‌دادن به او اختصاص می‌دهد، نشانه هستند (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۲).

^۱ «حکومت خودگردان تصمیم گرفت در انتظار لبخند تانک اسرائیلی بر کرسی قدرت بماند.

تانک لبخند نمی‌زند».

^۲ «آن موقع جمال الدره به نظرم قوی می‌آمد، ولی وقتی یک روز صبح برادر کوچکش کمکش کرد که پیراهنش را در بیاورد، من در اتاقش بودم و منتظر بودم با آنها سر قرار مشترکی بروم. دیدم دست راستش با یک تکه پوست نازک به کتفش آویزان است. وقتی دید که این صحنه را دیدم، هجمه خجالتی گذرا به صورتش نشست. ولی خجالت من از خودم تا مدت‌ها ادامه خواهد داشت».





برغوثی به تفصیل درباره نقش اشغالگری در ایجاد فاصله‌ها سخن می‌گوید. از منظر او، سربازان اشغالگر می‌توانند با کشتن یک انسان، فاصله معمول میان مرگ و زندگی او را بر هم زنند؛ اشغال می‌تواند با بستن راه میان دو شهر، فاصله آن‌ها را چندین برابر بیش از چیزی کند که روی نقشه جغرافیا است. سرباز اشغالگر نقطه‌ای از زمین را مصادره می‌کند و نامش را «اینجا» می‌گذارد و شخصی که صاحب این سرزمین است و به دوردست تبعید شده، ناچار است نام «آنجا» به آن دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود اشغال فاصله می‌آفریند و فاصله‌ها نشانه‌های زبانی را تغییر می‌دهند.

«من أفسى جرائم الاحتلال «تشویه المسافة» في حياة الفرد، نعم الاحتلال يغيّر المسافات، يخرّبها، يُخلّ بها، يعيث بها على هواء. كلما قتل الجنود إنساناً اختلت المسافة المعهودة بين لحظة الميلاد ولحظة الموت. يغلق الاحتلال الطريق بين مدينتين فيجعل المسافة بينهما أضعاف ما تقوله خرائط الجغرافيا. [...] يقف جندي الاحتلال على بقعة يصادرها من الأرض ويسمّيها «هنا» فلا يبقى لي أنا، صاحبها المنفيّ في البلاد البعيدة، إلا أن أسميها «هناك»»^۱ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۱۰۵-۱۰۶).

۴.۲.۱.۶. **خوراک:** خوراک یکی از روش‌های تعیین هویت گروه‌ها و نزاکت است. آماده‌سازی غذایی و چگونگی پذیرایی با آن نیز بر پایه نظامی از قراردادهای محدودکننده استوار است (گیرو، ۱۳۹۹، صص. ۱۵۴-۱۵۵). خوراک یک نظام نشانگانی است که با ارجاع به یک ساختار اجتماعی ملی یا محلی طراحی می‌شود. زبان خوراک از قوانین منع خوردن، تقابل واحدهای دلالتی (همچون شور/ شیرین)، قوانین تداعی معانی همزمانی (مثل بشقاب) یا توالی (مانند منو) و آداب صرف غذا تشکیل می‌شود (بارت، ۱۳۹۶، ص. ۸۸). آنچه «سوسور» درباره رابطه میان لانگ و پارول مطرح می‌کند، در مطالعات نشانه‌شناختی خوراک قابل استفاده است. پارول همه موارد غذا خوردن را در بر می‌گیرد و لانگ نظامی از قواعد است که باعث می‌شود برخی غذاها را متعارف و برخی را غیرمتعارف بدانیم. نشانه‌شناسان با الگوی زبانی‌ای که در دسترس دارند، به بازسازی نظام تمایزها و قواعدی می‌پردازند که در یک فرهنگ خاص بر مجموعه‌ای از پدیده‌ها دلالت می‌کند (کالر، ۱۳۸۹، صص. ۱۰۰-۱۰۱).

در بخش‌های متعددی از رمان، نویسنده به سنت نوشیدن قهوه میان مردم فلسطین و دیگر کشورهای عربی اشاره می‌کند. در گزاره زیر، پیرمرد با قهوه از مسافران تاکسی پذیرایی می‌کند و پذیرایی بزرگسالان از کوچک‌ترها، یک نشانه نزاکت در جامعه فلسطینی قلمداد می‌شود.

«قهوة؟ صُبّ للجميع يا حاج، كبير القوم خادمهم. اتفضلوا القهوة»^۲ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۱۱).

^۱ «یکی از ناجوانمردانه‌ترین جنایات اشغال، «تحریف فاصله» در زندگی افراد است. بله، اشغال فاصله‌ها را تغییر می‌دهد، خراب می‌کند، در آنها اخلاص وارد می‌کند و هرطور بخواهد آنها را دستکاری می‌کند. هر بار که نظامیان یک انسان را می‌کشند، فاصله معمول بین لحظه تولد و لحظه مرگ به هم می‌خورد. اشغال راه بین دو شهر را می‌بندد و فاصله آنها را چند برابر نقشه جغرافیا می‌کند. [...] مأمور اشغال بر خاکی می‌ایستد که آن را از زمین مصادره کرده و نامش را «اینجا» گذاشته و برای من که صاحب این زمینم و به سرزمینی دور تبعید شده‌ام، راهی نمی‌گذارد جز اینکه نامش را بگذارم «آنجا».

^۲ «قهوه؟ حاجی برای همه بریز. بزرگ قوم خادمشونه. بفرمایید قهوه».





در کتاب «ولدت هناک، ولدت هنا» از تعدادی غذاهای عربی همچون «مسخن» و «مرغ آویشنی» (همان، ص. ۵۴) و شیرینی‌های رایج در کشورهای عربی همچون «کنافه نابلسی»، «ترامیسو»، «باقلاوا» و «چیز کیک» (همان، ص. ۱۸۲) سخن به میان رفته است.

برغوثی در این بخش به توصیف ضیافت ناهاری می‌پردازد که به افتخار او و فرزندش، در خانه یکی از اقوام تدارک دیده شده است. مرید برغوثی با اشاره به اینکه آن‌ها برای صرف ناهار در حیاط خانه و دور سفره جمع شدند، مکان و نحوه چینش غذا را مشخص می‌کند. اختصاص یک مرغ کامل آغشته به روغن زیتون، سماق و پیاز داغ همراه با نان به هر نفر، نحوه پخت نان (بر روی سنگ داغ)، استفاده از ماست و سالاد سبزیجات و پایان دادن به ناهار با چای نشانه‌هایی است که فرهنگ مهمان‌نوازی عربی را آیینگی می‌کند.

«تَحَلَّقْنَا فِي حَوْشِ الدَّارِ حَوْلَ مَائِدَةِ الْغَدَاءِ. دَجَاجَةٌ كَامِلَةٌ لِلشَّخْصِ الْوَاحِدِ عَلَى رَغِيفٍ كَبِيرٍ مَحْمَرُ بَزِيتِ الزَّيْتُونِ، الدَّجَاجَةُ مَحْمَرَةٌ مِفْتُوحَةٌ مِنَ الْوَسْطِ وَمُغَطَّةٌ بِالسَّمَاقِ وَبِكَمِيَّةٍ كَبِيرَةٍ مِنَ الْبَصَلِ الْمَفْرُومِ الْمُقْلِيِّ بَزِيتِ الزَّيْتُونِ تَقْدُمُ عَلَى الرَّغِيفِ. وَالرَّغِيفُ مُجَبَّزٌ عَلَى رُظْفِ الطَّابُونِ (حَجَارَةٍ سَاخِنَةٍ بِحُجْمِ حَبَةِ الْجُوزِ الْكَبِيرَةِ) مَغْطًى أَيْضاً بِكَمِيَّةٍ كَبِيرَةٍ مِنَ الْبَصَلِ الْمُقْلِيِّ وَالسَّمَاقِ خُصُوصاً دَاخِلَ التَّجْوِيفَاتِ الَّتِي يَشْكُلُهَا الْحَصَى. وَبِجَانِبِ الْوَجْبَةِ صَحْنٌ مِنَ اللَّبَنِ الرَّايِبِ وَصَحْنٌ سَلْطَةُ خَضْرَاءٍ نَاعِمَةٍ بِالطَّحِينَةِ وَالْفَلْفَلِ الْحَارِ. وَتَأْتِي كَاسَةُ الشَّايِ بِالنَّعْنَاعِ أَوْ بِالْمِرْمِيَّةِ خَتَاماً لَا بَدَ مِنْهُ لَوَجْبَةٍ مَهُولَةٍ كَهَذِهِ»^۱ (همان، ص. ۱۳۸).

۲.۴. رمزگان‌ها

ارتباطات اجتماعی را می‌توان به چهار نوع اصلی آیین‌ها، مناسک، بازی‌ها و مدها تقسیم کرد:

۲.۴.۱. آیین‌ها: کارکرد آیین‌ها برقراری ارتباط میان افراد است. آیین‌ها و آداب جای هرکس را در یک گروه مشخص می‌کنند (گیرو، ۱۳۹۹، صص. ۱۵۶-۱۵۷). نشانه‌شناسی اجتماعی به جای اینکه روش‌های نشانه‌شناختی را دارای قوانین ذاتی توصیف کند، بر چگونگی به‌کارگیری منابع نشانه‌شناختی از سوی مردم به شیوه‌ها و درجه‌های متفاوت در بافت فعالیت‌ها و نهادهای اجتماعی خاص متمرکز می‌شود (لیوون، ۱۳۹۵، ص. ۱۸). نویسنده با استعانت از آیین‌های حضور زنان فلسطینی در جامعه، به تبیین جایگاه آنان می‌پردازد. از دیدگاه او، زن فلسطینی همچون دیگر زنان دنیا دارای دستاورد و تحول‌آفرین است. اوست که پس از مرگ، اسارت و غربت عزیزانش نیز در صحنه است و همچنان در بازار، تظاهرات، کارگاه‌های گلدوزی و منبت‌کاری حضور چشمگیر دارد؛ در تربیت نسل آینده از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند و حضور فعالانه او در جامعه ارتباطی با تفکرات فیمینیستی ندارد.

^۱ در حیاط خانه برای ناهار دور سفره جمع شدیم. برای هر کس یک مرغ کامل روی یک نان بزرگ سرخ‌شده با روغن زیتون گذاشته بودند. مرغ سوخاری از وسط باز شده بود و روی آن پر از سماق و مقدار زیادی پیاز داغ بود که آن هم با روغن زیتون سرخ شده بود و روی نان سرو می‌شد. نان را روی طابون (یک سنگ داغ اندازه یک دانه گردوی بزرگ) پخته بودند و روی آن به‌خصوص داخل سوراخ‌هایی که سنگ‌ریزه‌ها آن را ایجاد کرده بود، مقدار زیادی پیاز داغ و سماق ریخته بودند. در کنار غذا، یک بشقاب ماست و یک بشقاب سالاد سبزیجات تازه با ارده و فلفل تند بود. آخرش هم چای با نعنا یا مریم‌گلی آوردند که بعد از چنین غذای مفصلی می‌طلبید.



«المرأة الفلسطينية، كغيرها من نساء العالم الواسع، تعمل وتنجز وتغيّر الحال من حال إلى حال، ولا أدري من أين وكيف تنكس عليها الواجبات، وكيف تقوم بما على أكمل وجه ممكن. بعد كل هؤلاء الذين غيَّبهم الموت أو الأسر أو الغربة من أبناء هؤلاء النسوة وأقاربهنّ، هنّ من تزدهن بمنّ الأسواق، والمظاهرات، ومشاكل التطريز والحفر على خشب الزيتون والأرابيسك والصدف والقلائد، وهن من يتشاجرن مع مدير المدرسة لأمر يخص أحفادهن التلاميذ، وهن من يسمعن نوال السعداوي تشرح في برامج التلفزيون ثورتها الفيمينية العارمة دون أن يفهمن شيئاً مما تقول»^١ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۵۹).

۲.۲.۴. **مناسک:** مناسک ارتباطات گروهی هستند. جمع از طریق مناسک مذهبی با خدا پیوند برقرار می‌کند. مناسک خانوادگی یا ملی نیز شکلی از پیوند با نیاکان یا میهن به شمار می‌آید. هدف مناسک، دلالت بر همبستگی افراد در برابر تکالیف مذهبی، ملی و اجتماعی است که گروه آن‌ها را تعیین کرده است. مناسک نظام‌های نشانه‌ای هستند که همواره به شدت قراردادی شده‌اند (گیرو، ۱۳۹۹، صص. ۱۵۸ – ۱۵۹).

در بخش‌هایی از کتاب درباره عمل عبادی نماز و آن هم به شکل جماعت سخن به میان آمده که بیانگر همبستگی افراد در برابر تکالیف مذهبی است. نمونه نخست درباره نمازگزاران یک مرد نابلسی و پسرش در مرز فلسطین اشغالی و اردن، میان چمدان‌های پراکنده و پیوستن برخی از مسافران به آن دو است که برغوثی نام اسلام علنی را بر این نظام نشانه‌ای می‌گذارد. در گزاره دوم نیز برغوثی به حضور نمازگزاران در مسجد الأقصى اشاره دارد که از صدها سال پیش در این مسجد امری رایج بوده است. پس از اشغال فلسطین، نماز در قدس رؤیای هر فلسطینی است و از یک عمل عبادی فراتر رفته و به مبارزه سیاسی تبدیل شده است.

«بن الحقائق المتناثرة يقف النابلسي وابنه للصلاة فينضم إليهم عدد من الركاب الذكور فنضطرّ جميعاً لانتظار انتهائهم من الصلاة، إنْما ظاهرة جديدة، أقصد هذه «العلنية الإسلامية» في المجتمع»^۲ (البرغوثي، ۲۰۱۱، ص. ۴۳).

«علی یمیننا نری المصلین داخلین وخارجین من المسجد منذ مئات السنین كما نراهم الآن. لا جدید فی الأمر إلا الاحتلال. هکذا أصبح تمکّنُ الفلسطینی من الصلاة هنا حلماً يتجاوز التعالیم الدینیة إلى کونه «کفاحاً» سياسياً أيضاً»^۳ (همان، ص. ۹۹).

^۱ «زن فلسطینی مثل بقیه زن‌های این دنیای بزرگ، کار می‌کند و نتیجه می‌گیرد و اوضاع را از این رو به آن رو می‌کند. نمی‌دانم از کجا و چطور این همه کار سرش می‌ریزد و چطور همه آن‌ها را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهد، آن هم بعد از تمام پسرها و نزدیکانی که با کشتار و اسارت و غربت از دست داده است. همین زن‌ها هستند که در بازار و تظاهرات و کارگاه‌های گلدوزی و منبت‌کاری روی شاخه‌های زیتون و ارابیسک و صدف و گردنبند مشغولند. همین زن‌ها هستند که سر نوه‌هایشان با مدیر مدرسه بحث می‌کنند. این‌ها هستند که پای صحبت‌های نوال سعداوی می‌نشینند که در تلویزیون درباره انقلاب بزرگ فمینیستی‌اش سخن می‌گوید و از حرف‌هایش چیزی سر در نمی‌آورند».

^۲ «مرد نابلسی و پسرش بین چمدان‌های پراکنده به نماز می‌ایستند. عده‌ای از مردها هم به آنها ملحق می‌شوند. همه مجبور می‌شویم منتظر بمانیم تا نمازشان تمام شود. این یک پدیده ی جدید است. منظورم این «اسلام علنی» در جامعه است».

^۳ «سمت راستمان نمازگزاران را می‌بینیم که صدها سال است مثل همین الان به مسجد می‌روند و می‌آیند. هیچ چیزی جدید نیست جز اشغال.. به این ترتیب نماز خواندن برای یک فلسطینی در اینجا رویایی شده که از آموزه‌های دینی فراتر رفته و به یک «مبارزه سیاسی» تبدیل شده است».



۴.۲.۳. **مدها:** مد نمود سبک پرداخته و فردی شده رمزگذاری (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۶) و شیوه وجودی خاص گروه‌ها از جهات گوناگون همچون پوشاک، خوراک و مسکن است. در جامعه‌ای که وفور محصولات مصرفی، این محصولات را از کارکرد اولیه‌شان (محافظت و تغذیه) دور کرده باشد، مد نقش بسیار مهمی دارد (همان، ص. ۱۵۹). در بخشی از رمان، نویسنده به توصیف فلسطینی‌هایی می‌پردازد که با پوشش‌های گوناگون در صف‌های شلوغ ایستاده‌اند تا پس از بازرسی توسط سربازان اسرائیلی وارد فلسطین اشغالی شوند: جوانانی که شلوار جین پوشیده‌اند، زنان محجبه‌ای که شلوار جین بر تن دارند، زنانی که نقاب بر چهره زده‌اند و خانم‌های شیک‌پوش یا ظاهراً شیک‌پوشی که کیف «گوچی» و کفش پاشنه بلند دارند. «گوچی» علامت تجاری ایتالیایی در صنعت مد و کالاهای چرمی است. استفاده از شلوار جین، کیف گوچی و کفش پاشنه بلند از مصادیق مد به شمار می‌آیند. «شباب بالچینز، محجبات بینطلونات الجینز، أيضاً ومنقبات، سیدات أنيقات أو متأنقات بحقائب «جوتشی» و کعوب عالیة»^۱ (البرغوثی، ۲۰۱۱، همان، ص. ۱۷۷).

۴.۲.۴. **بازی‌ها:** بازی بازنمود یک موقعیت اجتماعی (گیرو، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۶) و به بیان دیگر وضعیتی است برای قرار دادن افراد در طرح‌واره‌ای که بر زندگی اجتماعی دلالت می‌کند (همان، ص. ۱۵۹). برغوثی پس از نافرجام ماندن تلاش‌هایش برای ایجاد اصلاحات در سازمان نهضت آزادی‌بخش فلسطین، به خلوت شاعرانه خود باز می‌گردد. او از شنیدن صدای «پاوروتی»، خواننده مشهور ایتالیایی برای ورود به عالم خلسه و شعر بهره می‌گیرد. برغوثی از اصطلاح «طناب‌کشی» که نوعی بازی و بازنمود زورآزمایی میان افراد جامعه است، برای بیان تأثیر صدای این خواننده بر احساسات شاعرانه خود استفاده می‌کند. به تعبیر نویسنده که به روایت شاعرانگی خود پرداخته، گویا موسیقی ایتالیایی با او، دنیای شاعرانگی‌اش و حتی فراتر از آن با همه دنیا زورآزمایی می‌کند.

«كنت أضع العظیم الجسم بافاروتي في جهاز التسجيل وأترك النشوة التي يسببها تلعب لعبة شد الحبل معي ومع عالمي ومع العالم»^۲ (البرغوثی، ۲۰۱۱، ص. ۲۱۶).

۷. نتیجه

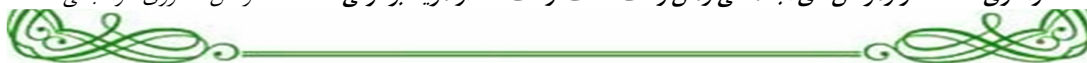
یافته‌های پژوهشی این بررسی نکات زیر را برجسته می‌نماید:

همه نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی مطرح‌شده در نظریه گیرو در رمان برغوثی قابل تطبیق است. برغوثی بر ارائه تصویر جامعه فلسطین از سوی مردم فلسطین تأکید دارد و بر این باور است که نباید با خالی کردن عرصه، زمینه تحریف چهره این جامعه مظلوم را برای دشمن فراهم کرد. در سراسر رمان، نشانه‌های اجتماعی جامعه فلسطین که برآمده از فرهنگ و هویت عربی و اسلامی است، به چشم می‌خورد. برغوثی در بخش‌هایی از رمان از

^۱ جوانانی با شلوار جین، زنان با حجایی با شلوار جین، زنان پوشیده‌ای، خانم‌های شیک با کیف‌های گوچی و پاشنه بلند.

^۲ «پاوروتی درشت‌هیکل را در ضبط می‌گذاشتم و اجازه می‌دادم خلسه‌اش با من و دنیایم و با کل دنیا طناب‌کشی کند».





نشانه‌های اجتماعی صهیونیست‌های ساکن در سرزمین‌های اشغالی نیز در راستای ارائه تصویری کامل از خفقان حاکم بر جامعه فلسطین پرده بر می‌دارد.

نویسنده در پی آن است که از نشانه پرچم، برای تقویت هویت ملی فلسطینی بهره بگیرد. او معتقد است رژیم جعلی اسرائیل با استفاده از ابزار پرچم، به دنبال ایجاد هویتی دروغین برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی است. توصیف یونیفرم و پوشاک عربی در این اثر دلالت بر قدمت هویت فلسطینی دارد. در مقابل یونیفرم نظامی صهیونیست‌ها بارزترین ویژگی رژیم اسرائیل و نماد ظلم بر مردم فلسطین است. برغوثی نشان‌های رهبران نالایق فلسطینی را سزاوار تحقیر می‌بیند؛ چراکه این نشان‌ها رهاورد مثبتی برای مردم فلسطین نداشته است. کاربرد فراوان نام‌های عربی برای اشخاص و اماکن، نشان‌دهنده پابندی مردم فلسطین به هویت اصیلشان است و اسرائیل با حذف نام فلسطین به دنبال کسب هویت برای خود است. برغوثی از زیتون به عنوان شاخص و نماد کشور مقاوم فلسطین بهره می‌گیرد. در این رمان که همه مؤلفه‌های نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی گِیرو مبتنی بر هویت‌بخشی به سازه‌های پیکره اجتماعی بازتاب یافته است حتی نشانه‌های تجاری نیز در خدمت بیان خوی اشغالگری دشمن قرار گرفته است.

از میان نشانه‌های نزاکت، لحن کلام بر رابطه صمیمی میان مردم فلسطین و نحوه سلام کردن بر هویت اسلامی عربی فلسطینی‌ها دلالت دارد. نویسنده از نحوه خداحافظی برای بیان ظلم حکام کشورهای عربی استفاده کرده است. برغوثی از رمزگان توهین به دشمن، جهت تبیین اقتدار مردم فلسطین بهره می‌برد و تحمل توهین از جانب وطن‌فروشان خائن را نشانه ضعف و ذلت آنان بر می‌شمرد. نویسنده از نشانه‌های اطوار پژوهانه برای بیان تجاوزگری دشمن و اندوه مردم فلسطین و از نشانه‌های فاصله‌پژوهانه به منظور اشاره به اشغالگری صهیونیست‌ها بهره می‌برد. نشانه خوراک در این رمان حکایت از مهمان‌نوازی هموطنان نویسنده و نحوه غذا خوردن و پذیرایی آن‌ها دارد. برغوثی از طریق رمزگان آیین‌ها به تبیین جایگاه زنان و میزان تأثیرگذاری آنان در جامعه فلسطین پرداخته است. اشاره به برگزاری نماز جماعت نمونه‌ای از مناسک است که نشان‌دهنده فرهنگ اسلامی رایج در فلسطین است. نویسنده با استفاده از رمزگان مد و نشانه مدل مو به تنوع پوشش در این کشور اشاره کرده و از رمزگان بازی نیز به عنوان بازنمود یک موقعیت اجتماعی، برای بیان غلیان احساسات شاعرانه خود پس از شکست در تلاش برای بهبود اوضاع فلسطین بهره گرفته است.

منابع

- ایوتادیه، ژ. (۱۴۰۲). *میخائیل باختین و جامعه‌شناسی ادبیات. سودای مکالمه، خنده، آزادی*. ترجمه م. پوینده. چاپ چهارم. تهران: چشمه.
- تودوروف، ت. (۱۴۰۲). *سخن در زندگی و سخن در شعر: درآمدی بر بوطیقای جامعه‌شناختی. سودای مکالمه، خنده، آزادی*. ترجمه م. پوینده. چاپ چهارم. تهران: چشمه.
- بارت، ر. (۱۳۹۶). *عناصر نشانه‌شناسی. نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی)*. گزینش و ویرایش ا. نجومیان. ترجمه ف. دوستی. تهران: مروارید.
- برغوثی، م. (۱۴۰۳). *آنجا به دنیا آمدم، اینجا به دنیا آمدم*. ترجمه ا. هاشمی. قم: کتابستان معرفت.



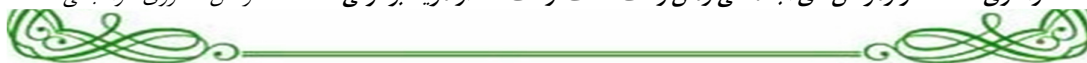


- برگز، آ. آ. (۱۳۸۵). نقد فرهنگی. ترجمه ح. مشیرزاده. چاپ دوم. تهران: انتشارات باز.
- چندلر، د. (۱۳۹۴). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه م. پارسا. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- حقایقی، ز.، صدیقی، ب.، حیدریان شهری، ا. (۱۴۰۳). «واکاوی جامعه‌شناختی رمان «أولاد الغیتو اسمی آدم» از الیاس خوری بر پایه نظریه لوسین گلدمن». /دب عربی. ۱۶ (۱)، ۶۹-۹۰.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه ب. پرهام. تهران: مرکز.
- ساسانی، ف. (۱۳۸۹). معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی. تهران: علم.
- سجودی، ف. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی هنر: بخش دوم. نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ارتباطات. به کوشش ح. سرفراز. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سوسور، ف. د. (۱۳۷۸). دوره زبان‌شناسی عمومی. ترجمه ک. صفوی. تهران: هرمس.
- سیبیاک، ت. آ. (۱۳۹۱). نشانه‌ها: درآمدی بر نشانه‌شناسی. ترجمه م. نوبخت. تهران: علمی.
- عظیمی فرد، ف. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی. تهران: نشر علمی.
- کالر، ج. (۱۳۸۹). درآمدی بسیار کوتاه: بارت. ترجمه ت. امرالهی. تهران: علم.
- کرس، گ. آ. (۱۳۹۲). نشانه‌شناسی اجتماعی از نظریه تا کاربرد: بازنمود چند وجهی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی به موضوع ارتباط در عصر حاضر. ترجمه س. کبگانی و ر. صحراگرد. تهران: مارلیک.
- گیرو، پ. (۱۳۹۹). نشانه‌شناسی. ترجمه م. نبوی. تهران: آگه.
- لیوون، ت. (۱۳۹۵). آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی. ترجمه م. نوبخت. تهران: نشر علمی.
- محسنیان راد، م. (۱۳۹۲). ارتباط‌شناسی ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی). چاپ چهاردهم. تهران: سروش.
- هلیدی، م.، حسن، ر. (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن: ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی. ترجمه م. نوبخت. تهران: سپاه‌رود.
- البرغوثی، م. (۲۰۱۱). ولدتُ هناک، ولدتُ هنا. الطبعة الثانية. بیروت: ریاض الریس.
- البرغوثی، م. (۲۰۲۴). رأیت رام الله. الطبعة الرابعة. الدار البيضاء: المركز الثقافي العربی.
- حمداوی، ج. (۲۰۱۱). «سیماء اسم العلم الشخصي فی الروایة العربیة». الراوی. ۲۴، ۵۱-۸۲.
- مقدم متقی، ا. (۱۳۹۶). الزيتون رمز المقاومة فی الشعر الفلسطيني المعاصر. /دب عربی. ۹ (۱)، ۲۶۱-۲۷۸.

References:

- Anderson, J. M. (2007). *The Grammar of Names*. New York: Oxford University Press .
- Ayutadieh, J. (2023). Mikhail Bakhtin and the Sociology of Literature. *The desire for Conversation, Laugh of Freedom*. Translated by M. Pooyandeh. 4th ed. Tehran: Cheshmeh .
- Azimifard, F. (2013). *Descriptive Dictionary for Semiotics*. Tehran: Scientific Publication .
- Barghouti, M. (2011). *I Was Born There, I Was Born Here*. Beirut: Riad El-Rayyes .
- Barghouti, M. (2024). *I Saw Ramallah*. 9th Edition. Cario: Darelshorouk .
- Berger, A. A. (2007). *Cultural criticism*. Translated by H. Moshirzade. 2ed Edition. Tehran: Baz .





- Barthes, R. (2017). Elements of Semiotics. *Semiotics (Key Papers)*. Selected and Edited by A. Nojournian. Translated by F. Doosti. Tehran: Morvarid .
- Chandler, D. (2015). *The Basics Semiotics*. Translated by M. Parsa. Tehran: Sooremehr .
- Culler, J. D. (2010). *A Very Short Introduction Barthes*. Translated by T. Amrollahi. Tehran: Elm.
- Durkheim, E. (2004). *The Elementary Forms of Religious Life*. Tehran: Markaz .
- Guiraud, P. (2020). *Semiotics*. Translated by M. Nabavi. Tehran: Agah .
- Haghayeghi, Z. & Seddighi, B. & Heidaryan Shahri, A. (2024). Sociological Analysis of the Novel “Awlad Al-Ghetto- Esmi Adam” by Elias Khoury Based on Lucien Goldmann's Theory. *Journal of Arabic Literature*, 16 (1), 69-90 .
- Halliday, M. A. K. (1978). *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*. London: Arnold.
- Halliday, M. & Hasan, R. (2014). *Language, Context, and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic perspective*. Translated by M. Nobakht. Tehran: Siahroud .
- Hamdawi, J. (2011). “Semiotics of Proper Nouns in the Arabic Novel”. *The Narrator*, 24, 51- 82 .
- Kress, G. R. (2014). *Multimodality: asocial semiotic approach to contemporary communication*. Translated by Sajjad Kabgani & Rahman Sahragard. Tehran: Marlik.
- Leeuwen, T. V. (2016). *Introducing Social Semiotics*. Translated by M. Nobakht. Tehran: Elmi .
- Moghaddam Mottaghi, A. (2017). Olive as a Symbol of Resistance in Contemporary Palestinian Poetry. *Arabic Literature*, 9, 1, 261-278 .
- Mohsenian Rad, M. (2013). *Communicology, Human Communication (Interpersonal, Group, Collective)*. 14th ed. Tehran: Soroush .[IN PERSIAN]
- Sasani, F. (2010). *Semanalysis: Towards Social Semiotics*. Tehran: Elm .[IN PERSIAN]
- Saussure, F. D. (1999). *Course in General Linguistics*. Translated by K. Safavi. Tehran: Hermes .
- Sojoodi, F. (2014). Semiotics of Art: Part Two. *Semiotics of Culture, Art and Communications*. assayed by H. Sarfaraz. Tehran: Imam Sadiq University's Publication .[IN PERSIAN]
- Sebok, T. A. (2012). *Signs: an introduction to semiotics*. Translated by M. Nobakht. Tehran: Elmi .
- Todorov, T. (2023). Speech in both Life & Poetry: An Introduction to Sociological Poetics. *The desire for Conversation, Laugh of Freedom*. Translated by M. Pooyandeh. 4th ed. Tehran: Cheshmeh .





فصلية دراسات في السردانية العربية

الرقم الدولي الموحد للطباعة: ٢٦٧٦-٧٧٤٠

الرقم الإلكتروني الدولي الموحد: ٣٧١٧-٠١٧٩



جامعة الخوارزمي

العلامات والرموز الاجتماعية في رواية "ولدتُ هناك، ولدتُ هنا" لمريد البرغوثي، على ضوء نظرية "بيير جيرو" (دراسة سيميائية)

نرگس خسروي سوادجاني^١

الملخص

تدرس السيميائية الاجتماعية، كأحد مناهج حقل علم السيميائيات، مختلف أنظمة الدلالة في المجتمع. في هذا السياق يدرس "بيير جيرو"، اللغوي الفرنسي (١٩١٢-١٩٨٣)، العلامات الاجتماعية من منظورين: "الهوية" و"آداب المعاشرة". ويبحث في مفهوم الهوية من حيث مكوناتها، كالأعلام والزي الرسمي والشارات والأوسمة، والمكياج، والأسماء والألقاب، والمؤشرات والعلامات التجارية، ويستكشف علامات آداب المعاشرة في نبرة الكلام، والتحية والوداع، والشتيم، وآداب السلوك، والحفاظ على المسافة في التعاملات الاجتماعية، وعادات الأكل. ويرى جيرو، أن العلامات الاجتماعية تلعب دوراً في تشكيلة جميع أنواع التواصل الاجتماعي. وفي رواية "ولدتُ هناك، ولدتُ هنا" يروي الكاتب والشاعر الفلسطيني مريد البرغوثي (١٩٤٤-٢٠٢١) أحداث الرحلة إلى فلسطين، وينقل للمتلقي مجموعة من الرموز الاجتماعية الفلسطينية. يحاول هذا البحث دراسة العلامات والرموز الاجتماعية لهذا العمل بمنهج وصفي - تحليلي، على ضوء نظرية "بيير جيرو" في السيميائيات الاجتماعية. وتشير أبرز نتائج هذا البحث - كما يتسنى من العينات المحللة - إلى إمكانية تطبيق جميع العلامات والرموز الاجتماعية لنظرية جيرو في رواية البرغوثي. ويدل ذلك على التواجد القوي للعلامات الاجتماعية المستمدة من الثقافة والهوية العربية والإسلامية الأصيلة في هذا العمل. كما أن البرغوثي يستخدم أحياناً الرموز الاجتماعية للصهاينة المقيمين في الأراضي المحتلة للكشف عن مساعيهم لبناء هوية لهم. ويتقدم صورة حقيقية عن المجتمع الفلسطيني، يُلغي البرغوثي فرصة العدو لتشويه صورة الشعب الفلسطيني المضطهد.

الكلمات المفتاحية: السيميائية الاجتماعية، بيير جيرو، أدب المقاومة، مريد البرغوثي، رواية "ولدتُ هناك، ولدتُ هنا"

تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٠

تاريخ الوصول: ٢٠٢٥/٨/٢٠

العدد الخاص الشتاء (٢٠٢٥م)، العدد ١، صص. ٥١-٧٢

^١ الأستاذة المساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب، جامعة الزهراء (س)، طهران، إيران. n.khosravi@alzahra.ac.ir

